

مجاهد یار روز های دشوار

داکتر محمد ابراهم ملکزاده وکیل منتخب مردم غور در ولسی جرگه



در روزگار سخت و دشوار تنها ایمان به بزرگی ایمان مجاهد و نام پر شکوه و ابهت یک رزمنده خداجو و مجاهد واقعی میتواند تسلی بخش خاطر افسرده یاران گیر مانده درموج حوادث و تنگدستی های میدان سیاست باشد. مجاهد باید در مقابل تجاوز ابرقدرتها برزمد ، مجاهد باید قربانی بدهد، مجاهد باید راه را برای حاکمیت عده هموار سازد و مجاهد باید چون دژ فلادین در برابر هجوم دشمنان دور و نزدیک ایستادگی کند تا عده محدود قیام و ایثار وفدا کاری شان را به چوکی و منصب معاوضه کنند، ثروت اندوزند و در محافل گرم با سر کشیدن شراب سرد ایمانداران برهنه پا و جان بازان بی پناه را فراموش و در کنار انسانهای فرصت طلب و بی عرضه به مجاهد لقب جنگ سالار و ناقص حقوق بشر بدهند. و با نزدیک شدن پایان عمر حکومت باز با فریاد شورا و حمایت مجاهدین کسب اعتبار کنند اینبار از مجاهدین قربانی وفدا کاری نمیخواهند تنها یک شورا و اعلام همبستگی و سنگین ساختن پله سیاست. هموطنان گرمی و همشیریان بیدار و مجاهد قهر مان و محروم ولایت غور سلام من هم مجاهد مانند شما ام ومی خواهم یاد آور شوم که با شعار ها و پیام های بازیگران میدان سیاست ذوق زده و غافل گیر نشوید. نمی گویم شوری تشکیل ندهید و یا یکپارچه نباشید. بلی شورا تشکیل دهید و نقش خود را در تأمین امنیت و ایجاد فضای امن برای ملت به اثبات برسانید و برای آینده خود و فرزندان خود فکر کنید تا کسی ایشان را جنگ سالار و قلدر نگوید از کساتیکه از حرمت و بزرگی شما کسب اعتبار می کنند تعهد بگیرید که هیچ کس جرأت تهمت زدن و تحقیر و توهین مجاهدین را مانند گذشته نداشته باشد. بلی تشکیل شورای وحدت شما عظمت و بزرگی شمارا در خاطره ها زنده می سازد بشرط اینکه ازین وحدت شما استفاده منفی صورت نگیرد.

چرا درین روز ها باز هم نامی از جهاد و مجاهدین گرفته می شود و از نقش مجاهدین در تأمین امنیت و آینده سیاسی افغانستان خصوصا انتخابات آینده صحبت بعمل میاید. دلیلش این است که جهاد منحیت فرهنگ اصیل و پیر افتخار در تار و پود ملت با ایمان و دلیر افغانستان جا دارد و تا چندین دهه این فرهنگ با ارزش در کشور زنده است و امروز به استثنای کابل در تمام ولایات کشور مردم به نام جهاد و مجاهدین افتخار نموده هر گاه خواسته باشند کسی را بصفت خوبی معرفی کنند ؛ میگویند این دوست مجاهد است یعنی شخصی با ایمان، صادق دلاور و حامی ناموس و شرف و عزت مردم.

جهاد را کی بد نام ساخت.؟ جنگ های کابل و نفوذ افراد دزد و قطاع الطریق در صَرف مجاهدین و راه اندازی جنگ های تبهانه در کابل که کم کم در ولایات هم سرایت کرد. بعدا یک مشت جاسوس و مفت خوار که از آغاز جهاد از کشور فرار کرده بودند و بعد دوشا دوش غربی ها آمدند مجاهدین را جنگ سالار و خود را دموکرات و حامی حقوق بشر معرفی کردند. و کس نرسید که شما با یک جرعه کشور را ترک کردید یک روز هم در (خوبی و بدی) نقش نداشتید طبعاً دست شما نه به خیر بلند شده و نه به شر آلوده است ، لذا لقب شما بی غیرت ها ؛ فراری است که بعد از سی سال به جاسوس پخته تبدیل شده اید حال اگر مجاهدین که در مقابل تجاوز خارجی و مکر همسایه و دزد داخلی رزمیده دارانی اشتباهات شده شما که جزء جاسوسی و بت پاکي هیچ هنری دیگری ندارید از مجاهدین چه بر تری دارید؟ مجاهدین در یک مقطع تاریخ کشور افتخار آفریدیند و در لحظات نازکی اشتباه کردند شما که ماهیتاً در خدمت بیگانه اید و هیچ هنری ندارید. شما در کشور نبوده اید که کاری کرده باشید خون را مردم داد و حکومت را شما صاحب شدید. هدف ازین یاد آوری این است که مجاهدین در ولایات ، ولسوالی ها و مناطق دور دست می توانند با تشکیل شورای های جهادی و مردمی در تأمین امنیت نقش ایفا کنند و کشور را ازین حالت نجات دهند. البته در سیاست گذاری نیز رول مهمی بازی خواهند کرد. من از تمام مجاهدین و فرزندان با دین و با غیرت سر زمین می خواهم فریب سیاسیونی را نخوردند که آبرو و عزت شانرا در بازار های سیاست به لایلم می گذارند و وقتیکه مجاهدین را بد نام ساختند باز هم از ایشان دفاع نمی کنند . امروز بسیاری از رساتنه ها و مطبوعات بر مجاهدین میتازند و علیه مجاهدین تبلیغ می کنند و حکومت هم از نهاد های خاص حمایت نموده مجاهدین را مسنول همه نا بساماتی ها می داند. در همین حکومت عده از آدرس مجاهدین بر چوکی تکیه زده اند ولی یک روز هم از غرور و عزت و افتخارات مجاهدین دفاع نکرده اند زمانیکه پایه های چوکی اقتدار شان به لرزه افتد باز نام مجاهدان را می گیرند و از افتخارات شان یاد می کنند.

جواسیس غرب و شرق مجاهدین را جنگ سالار، تفنگ سالار و ناقصین حقوق بشر گفتند و در سخنرانی ها از شکست شوروی و شکست دیوار برلین و آزادی افغانستان یاد می کنند مثل اینکه این شکست ها به استخاره عالی جناب ها در جاسوس خانه های آمریکا و اروپا صورت گرفته باشد.؟ باید بدانند ملتی بنام مجاهد بیش از دو میلیون شهید داد و پنج میلیون آواره ، و فرزندان شان تا هنوز به جهاد پدران شان افتخار می کنند که در مقابل تجاوز روس رزمیدند اما چند جاسوس فراری و بی هنر در رکاب لشکر مست آمریکا - القاعده آمدند و بر چوکی ها تکیه زدند و در مطبوعات هر چه دل شان خواست به آدرس مجاهدین گفتند و هنوز هم انتظار دارند به زور مجاهدین حکومت کنند. من به برادران مجاهد اعلان می کنم حال زمان آن رسیده تا به حساب همه خاننین که جهاد ارزشمند شما را هانت کرده اند برسید و دیگر سر نوشت خود را بدست تجار عزت مردم، جاسوس ، بی غیرت و فراری ندهید. در تاریخ جهاد نام از رشوت و اختلاس نبود حالا هر کج چشم و مخموری را ببینی صد ها میلیون دالر را حیف و میل می کند باز هم بنام متخصص و حامی دموکراسی خیره به طرف مردم می بیند عجب است. ای کاش کسی را مدافع حقوق بشر می گفتند که در سال های جنگ و مصیبت در کشور بوده ولی دستش بخون ملت تر نیست. نه جاسوسی که ده هزار کیلو متر از افغانستان دور بوده و بگوید دست ما بخون کسی تر نیست. آخر تو چه کاره بودی؟ تو همین حالا از عکس روس و کلا شینکوف میترسی و به هیچ مقطعی در کشور نبودی چرا ادعا میکنی دستت بخون کسی تر نیست و مال مردم را نخوردی ، کاش در افغانستان میبودی و در قضایا دخیل میبودی افسر میبودی و با قوماندانان باز میگفتی من آلوده نیستم و از پاکي شعار میدادی! چه بیشتر ازین است که در هیچ غم و دردی شریک نبودی.

آینده این سر زمین از ملت با ایمان با غرور و مجاهد افغانستان است. باید کاستی های گذشته را جبران و به ملتی خدمت کنیم که از ما و شما انتظار خدمت و حمایت را دارند. اینهای که امروز از صلح و دموکراسی صحبت می کنند خود شان خارجی ها را آوردند این خارجی ها بخانه هر افغان داخل شدند زنان را لگد زدند، قرآن را به زمین انداختند و انسان های بی گناه و اطفال را کشتند و اجساد را آتش زدند بر اجساد مرده ها هانت کردند و صد ها جنایت دیگر و با مزدوران پاکستان هم اهنگی کردند آیا اینها دروغ است؟ اینها به زور این جانی ها حکومت کردند حال به مجاهدین توهین می کنند؟ مجاهدین تا هنوز می توانند در تمام ولایات و مناطق سفر کنند و با مردم بنشینند. شما چه؟ اینهای که از حقوق بشر دفاع می کنند و دست شان بخون مردم رنگ نیست کی ها اند؟ جاسوس عساکر جنایت کار خارجی عساکری که نه به زنها رحم کردند و نه به اطفال و مقدسات مردم و یک روز هم این مدعیان زبان به انتقاد نگشودند و حال در تلویزیون ها از (موقف گیری شرعی ، عکس العمل قانونی و داد خواهی انسانی مردم) درد دیده افغانستان اظهار نگرانی می کنند.

دوستان گرمی! به همه شما روشن است جهاد منحیت یک پدیده باارزش معنوی در فرهنگ و کلتور فرد فرد هم میهنان ما جا گرفته و از مقام خوبی بر خوردار است و می تواند برای سال ها منحیت محور و مرکز دیدگاه و تصمیم گیری ها باشد آنطوری که لکه های سیاه و تاریک در کابل بر رخسار جهاد و مجاهدین جا گرفته در ولایات و مناطق دور دست قضیه بر عکس است . مجاهدین هنوز هم محبوبیت دارند و مناطق در کنترل و اداره شان است بیشتر از غرب و شرق در افغانستان نفوذ دارند. لذا قدر و قدرت خود را بشناسید و بخاطر تأمین امنیت و آرامش کشور هر چه در توان دارید انجام دهید و می دهیم. انشاء الله این لقبی را که خارجی ها و دشمنان شما بشما داده اند از سر خود دور سازید. جهاد ، ایمان ، ایثار، صداقت و خدمت همه از خصلت های خوبی مجاهدین است. بگذار تا انسان های تنگ نظر و عقده ای همچنان یابوه سرای کنند. موفق باشید.

شش ماهنامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

سال دوم شماره دهم سنبله 1391 مطابق سپتمبر 2012

مسئله و مسؤلیت تأمین امنیت ولایت غور!

هدفمند



خاموشی دولت در برابر فعالیت های طالبان و شبکه های تروریستی ، سکوت مسئولین دست نخست اداره محلی در برابر جنیت کاران که بدون وقفه جان شخصیت های بزرگ و مردم بی گناه را می گرفتند و از خون و مال مردم تغذیه می کردند ، معامله حکومت محلی با قوماندانان مسلح غیر قانونی ، بسته شدن مکتب و تسلیح و تجهیز شبکه های تروریستی ، طالبان ، مخالفین دولت ، قاتلین شخصیت های بزرگ و دشمنان جان و مال مردم بی دفاع از بودجه زیر نام (معاش ، حقوق و امتیازات معلمین)، آغاز جنگ های مسلحانه و اختلافات ذات البینی ، نقض حقوق بشر ، فعالیت محاکم صحرایی در نقاط مختلف ولایت غور به عنوان مهمترین مورد بود که صدای عام مردم ولایت غور را متحدانه ، علیه حاکمیت عبدالله هیواد والی اسبق ولایت غور بالا نمود و مقامات ذیصلاح مرکز نیز تغییر در رهبری مقام ولایت غور را به مصلحت دانستند که نتیجه آقای هیواد سمت مقام ولایت را به محترم سید انور رحمتی واگذاشت. آقای رحمتی به هدف تأمین ثبات در (تمام نقاط ولایت غور) با مشوره و تشریک مساعی شورای ولایتی غور ، شورای علما ، جامعه مدنی و منتقدین ولایت غور ، طی فراخوانی از تمام نیرو های مسلح غیر قانونی خواسته است سلاح های خود را به زمین بگذارند و به زنده گی عادی بر گردند

برنامه تأمین ثبات جغرافیای ولایت غور با دعوت سران دو طرف منازعه غرب مرکز ولایت غور (تایمینی و رضا) و پایان کردن آنها از سنگر هی جنگ در برابر یکدیگر آغاز شد . فراخوان که انتظار می رود ثبات در ولایت غور را در قبال دارد ، توسط ششصد نفر از منسوبین حکومت ، محاسن سفیدان و شهروندان مرکز ولایت غور امضا گردیده است ، در فراخوان آمده است :

1- آتش بست شش ماهه ؛ دو طرف در گیر از آغاز اعلان فراخوان الی شش ماه دیگر حق هیچ نوع در گیری را ندارند. 2- کمیسیون 17 نفری موظف اند تا در ظرف 21 روز طرح مصالحه را تکمیل نمایند و عرض اجراءات به مقام ولایت غور تقدیم نمایند، تا با توافق طرفین درگیر ، در یک نشست عمومی جنگ ، ختم اعلان شود و دیگر گروه تصمیم گیرنده در مسائل امنیتی در جنوب - جنوب غرب مرکز ولایت غور وجود نداشته باشد . اداره محلی غور به تنها مرجعی باشد که امنیت را تأمین کند . طرفین در گیر در مسالی عام المنفعه و بهبود وضعیت زنده گی مردم سهیم شوند . آقای رحمتی زمان بعد از تطبیق طرح مصالحه را (آغاز فصل ثبات و برادری) می خواند. آقای رحمتی در کنفرانس مطبوعاتی مورخ 1391/6/20 گفت : « شورای نظامی اداره محلی ولایت غور به منظور پایان نمودن افراد مسلح دو طرف درگیر از سنگر ها ، در نشست 1391/6/20 گزمه کنترولی را ایجاد و موظف کرده است تا افراد مسلح غیر مسول را از سنگر ها پایین و از دید عامه دور نمایند ، در صورت تخطی ، آنها را دستگیر و خلع سلاح نموده که غرض تحقیق و محاکمه عادلانه به ارگان های عدلی و قضایی معرفی شوند تا از قتل و غارت ، زور گویی و اخاذی های غیر قانونی در مسیر راه های عمومی جلوگیری شود . »

قابل ذکر است که در گذشته نه چندان دور افراد مسلح غیر قانونی که در مناطق مختلف ولایت غور موازی با حکومت ، حاکمیت و اعمال نفوذ می نمودند و در مسیر راه های با اخاذی های گزاف غیر قانونی باعث آزار و انیت مردم می شدند و دهشت و ترور می آفرینند ، بآنها توسط مسئولین رده اول اداره محلی تمویل می شدند اند و تمام جنایات آنها به منازعات داخلی ، قومی و جزئی ، تعبیر می شد. مثل اینکه قتل ، ترور و غارت در مسایل داخلی مشروع و قانونی باشد . فراخوان خلع سلاح افراد مسلح غیر مسول توسط تعداد زیاد مردم ، از آدرس های (شورای ولایتی غور ، شورای علما ، منتقدین ، محاسن سفیدان و جامعه مدنی) امضا گردیده است . قابل ذکر است که تعداد امضا کننده گان این فراخوان که به دور از مرکز ولایت غور زنده گی می کنند ؛ خود مسول نیرو های مسلح غیر قانونی اند و هم اکنون در صورت که عازم مناطق خود یا ولسوالی ها شوند ، امنیت آنها توسط افراد مسلح غیر مسول تأمین می شود ، زیرا آنها بالای خود ، مردم و پولیس اداره محلی باور مند نیستند .

دیدگاه مردم ولایت غور این است که پروسه خلع سلاح از قوماندانان مسلح غیر قانونی ای آغاز شود که همواره در کنار نظام بوده بوده و با شعار حمایت از حکومت حضور فعال نیرو های مسلح غیر قانونی خود را حفظ کرده اند و در موارد از مأمورین بلند پایه حکومت به زور سلاح باج گرفته اند ، تعداد مسولین نیرو های مسلح غیر قانونی در هر حکومتی در رده های بالا ایفای وظیفه نموده اند و با اینکه دلیل صعب العبور بودن راه ها و دور بودن موقعیت آنها از مرکز ولایت غور یکبار خلع سلاح نگردیده اند بلکه با ارایه دیدگاه های گمراه کننده همواره نیرو های مسلح غیر قانونی خود را تسلیح و تجهیز کرده اند . و اما معامله اداره تازه پای ولایت غور با آنها را مرور زمان ثابت خواهد کرد.

دین گریزی جوانان چرا؟

محمد یونس "فانوس" محصل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه بلخ در دنیای مدرن امروز تبلیغات وسیعی در جریان است و صاحبان افکار و ایده ها هر يك در جهت پیشبرد فکر خویش تلاش مضاعف می نمایند و به عضو گیری و تجمع افراد به دور خویش می پردازند و در این راستاهزینه های گزافی صرف می شود. در این میان نوك پیکان تمام جریا نات به سوی جوانان نشانه می رود وجوانان ، خود را درآشفته بازاری می بینند که کالاهای ملون با روکش های فریبنده آنها را به سوی خود فرا می خواند و هر دم به دری می زنند و بایی می کشانند و در جستجوی مراد و مطلوب خویشند و چه بسا در اثر تبلیغات فریبنده هر نامرادی را مراد می بینند و مذمومی را محبوب می پندارند و این مسیر را مدت مدیدی می پیمایند و نامراد در پرتگاه سرگردانی و پوچی احساس تنهایی ، بی هدفی ، خستگی ، و نا امیدی می نمایند و سر بر گریبان ندامت می گذارند و منتظر شروع حلقه ی ناخواسته ی دیگری بر حیات پر مشتری خویش می باشند . تا این دم در کجا بیاسایند و صید چه صیادی گردند و این باسار چه بشنوند و چه ببینند ؟ راستی جوان که اینگونه مورد طمع همگی است وقتی که حیات خود را میدان رقابت دیگران پنداشت و سرمایه ی عمرش را کلای ذی قیمت دست دیگران دانست چه کار کند و به کجا پناه ببرد تا با وی آن نشود که نیاید بشود . و آیا پناهگاه دین را امن می پندارد و داعیان دین را قابل اعتماد ؟ و اصولاً کدام دین و کدام تعریف از دین می تواند جوانان را از سر گردانی و گم گشتگی نجات دهد؟ در این مقاله برآنیم تا دلایل دین گریزی را به صورت مجمل بیان داریم و به ریشه یابی این موضوع در حد توان فکری خویش بپردازیم . سوال این جاست که جوان کیست و از کدام دین می گریزند؟ ادامه صفحه 3

حقیقت بانک های امروزی

تهیه و ترتیب: خداداد "خیراندیش" محصل سال اول بوهنخی حقوق و علوم سیاسی

در ابتدا معلومات بیرامون بانک، بانک چگونه بوجود آمد، هدف از تشکیل بانک چیست؟ و بعد میباید ازیم به ماهیت بانک های امروزی و اینکه نحوه فعالیت شان از دید اسلام چطور است و چه اهداف را دنبال میکنند.

بانک چگونه بوجود آمد: بانک یک کلمه ایتالیایی است که از ریشه Bancus یا Banco یا Bacylue است که در انگلیسی به معنی **Bench** در فارسی معنی درازچوکی را می دهد گرفته شده. بعضی دانشمندان می گویند بانک از واژه هجرمی **Back** گرفته شده که معنی شریک مال را می دهد. ولی زمانی که آلمان هابسبخ های از ایتالیا را در کنترل خود داشتند کلمه **Back** یا شریک سرمایه به **Banco** تبدیل گردید. برای نخستین بار

اولین بانک در سال 1859 در شهر وینس ایتالیا بنام وینس بانک تاسیس شد. در کل وظیفه بانک ها و هدف از تاسیس شان حفظ و نگهداری ارزش داخلی و خارجی پول ملی کشورهای شان است.

در قرون گذشته یگانه چیزی که در معاملات بحیث وسیله تبادل مورد استفاده مردم قرار می گرفت سکه های طلا و نقره بود. و این بروسه تا قرن 19 میلادی ادامه پیدا کرد. در اواخر قرن 19 میلادی چون حجم نقره افزایش یافت این سکه از سیستم بولی خارج گردید. و تنها طلا بحیث وسیله مبادله معروف بود. در آن زمان خوبی سکه ها در این بود فقط سودی که از طرف قرضه دهنده و قرضه گیرنده بود صورت می گرفت. و فساد های دیگری از قبیل تورم، دزدی و سانسورهای اقتصادی آنقدر به ملاحظه نمی رسید. می توان گفت که سیستم بانکداری اسلامی حاکم بود. چون در جهان عموماً سه مکتب یا نظام وجود دارد. اسلام، کبیتالیسم (سرمایه داری) و سوسیالیسم (اشتراکی) بعد از قرن 20 نظام کبیتالیسم در امور اقتصادی مداخله نمود. طوریکه بر همگان معلوم است هدف زندگی در این نظام صرف بدست آوردن منفعت و پول و آنهم از هر طریق ممکنه است. سرمایه داران در این نظام برای اینکه بتوانند دارای افراد رابه آسانی بلعیده طوری که کسی متوجه هم نشود بول کاغذی را بجای سکه ها استعمال کردند. یا بوجود آمدن این سیستم در قرن 20 زمینه برای سود، اختلاس و دزدی های بانکی فراهم گردید. و توانستند از طریق های نامشروع فوق دارای های افرادی را تراج ببرند. که از جمله میتوان به قرضه دادن طولمدت کبیتالیستها به بعضی کشورهای خصوصاً کشور آفریقای و کشورهای فقیر دنیا ریعه بانکهای سودی خود اشاره کرد. با گرفتن سودگزار آنها را تحت استعمار خود در آوردند و تمام هست و بود شانرا به یغما بردند.

اهداف قرضه های خارجی: اگر تعبیر مابین باشد که کمکهای خارجی و قرضه های بانکی ی شان مخصوصاً بانک جهانی صرف جنبه بشردوستانه دارد اشتباه بوده و خیلی عامیانه خواهد بود. اما نظریه بعضی اشخاص روی اینکه کمکهای خارجی و حضور شان صرف بخاطر معدنیات کشورهای مثل افغانستان است نیز یک تعبیر اشتباه است. چون ذخایر زیرزمینی آنقدر اهمیت در مقابل اینهمه مصارف را ندارد.

آنچه اهداف قرضه های خارجی را مشخص می سازد هویدا است. در گذشته ها قرضه های کشورهای سوسیالیستی چه طولمدت و چه بلاعوض در قبال کشورهای فقیر و رو به انکشاف جز رشد دادن نظام یا عقیده سوسیالیستی و کمونستی، بوجود آوردن موقف انحصار بین المللی بمنظور استعمار دوجانبه در روابط تجاری و اقتصادی بین المللی و بالاخره از بین بردن حاکمیت ملی کشورهای هدف دیگری نبوده است. چنانچه کمکهای روز افزون اتحاد جماهیر شوروی از شروع اولین پلان پنج ساله افغانستان 1335 تحت نام کمکهای انگشافی به مرور زمان افغانستان را بخود وابسته ساخت. بیس تجربه تاریخی در افغانستان نشان داده است که کمکها و قرضه های کشورهای سوسیالیستی در افغانستان و دیگر کشورهای رو به انکشاف بجز از نائل شدن به اهداف استعماری، در هم کوبیدن نهضت های اسلامی، از بین بردن عقائد اسلامی و بوجود آوردن رژیم های کمونیستی از طریق بخش مستقیم کمونیزم هدف دیگری در پی نداشته است. اما اهداف قرضه ها و کمکهای امروزی که از طریق کبیتالیست ها و در اس شان آمریکا است جزمناً اهداف زمان سوسیالیست ها چیزی دیگری نخواهد بود. از نقطه نظر واقعیت و وظیفه بانکهای امروزی جز بر آورده ساختن اهداف کشورهای استعمارگر، از بین بردن نظام اقتصادی و بانکداری اسلامی و بوجود آوردن سود، اختلاس و رشوت و دزدی چیزی دیگری نیست. در کل آنچه کشورهای قرضه دهنده و کمک کننده از طریق بانکهای سودی به کشورهای فقیر مثل افغانستان میدهند علاوه از هزاران هدف و فایده که دنبال میکنند اهداف کلی ذیل را در بر دارد.

1- هدف سیاسی: کشورهای قرضه دهنده یا کمک کننده تحت نام بشردوست ها و غیره از طریق اعطای کمکها و قرضه ها کوشش مینمایند تا یک سلسله امتیازات را در داخل کشورهای کمک گیرنده بدست آورند. از جمله تاسیس نمودن پایگاههای نظامی خود را داخل کشورهای کمک گیرنده. از جانب دیگر کوشش مینمایند تا اوضاع اقتصادی کشورهای کمک گیرنده و فقیر را تحت تسلط خود در آورند و بدین وسیله در موقع لزوم و ضرورت از قابلیت اقتصادی بحیث یک تهدید برای فشار سیاسی بالای کشورهای گیرنده استفاده نمایند. بطور مثال کشور قرضه دهنده انجام یک کار معین و مشخص سیاسی را از کشورهای گیرنده تقاضا مینماید طوری که به نفع کشور قرضه دهنده است و در صورت عدم انجام آن کمکهای یا قرضه های بعدی خود را قطع کرده و یا اینکه قرضه های قبلی خود را مطالبه مینماید. در این زمان کشورهای قرضه گیرنده تحت فشار اقتصادی گرا گرفته مجبور میشوند برای انجام آن کار گرچه خلاف منافع ملی آن هم باشد حاضر شوند.

2- هدف فرهنگی: در صورت زیاد گرفتن قرضه از قرضه دهنده و گسترش روابط بخاطر مسئله فوق بالاخره کشورهای قرضه گیرنده مجبور میشوند تا نظام سیاسی، اقتصادی، تعلیماتی و اجتماعی خود را مطابق ایدئولوژی و نظام کشورهای قرضه دهنده تغییر نمایند. مثلاً در افغانستان مبینیم که اکثر کشورهای کبیتالیستی یا قرضه دهنده ها تقابل مینمایند با نظام بازار آزاد و نظام بانکی سودی که کاملاً به نقص افغانستان بوده و خلاف منافع مادی، معنوی و دینی است. هویدا است معاملات که در بانکهای داخلی صورت

میگردد سود هم را در دوا این کاملاً باین اسلام در تضاد است. از جانب دیگر بار سود و انفلاسیون روز افزون که از طریق سیاستهای ظالمانه بانکی کشورهای بزرگ کبیتالیستی اتخاذ میشود سبب میشود تا قرضه گیرنده نتوانسته قرضه را حتی سود قرضه را برداخت نمایند و مجبور میشوند به هر نوع خواهش شان جواب مثبت بدهد. بدبخانه افغانستان نیز باین تومور سرطانی مبتلا شده است. قرضه های بی حد و مرز بانک جهانی آنهم تحت راهبری آمریکا چون 67 درصد سرمایه آن از آمریکا است و سایر بانکهای قرضه دهنده کشورهای دنیا طوری به افغانستان سرازیر شده است که هیچ قابل مقایسه نیست ولی اثر و فایده مادی آنقدر از آن چشم نمی خورد جز نواقص معنوی.

چون موجودیت سود، اختلاس، رشوت باعث شد تا همه راطا غوت گران و فرعون های زمان به کام خود بلعیده و بار محنت و مشکلات را بدوش ملت فقیر و غریب انداختند. متأسفانه افغانستان در هیچ زمان نخواهد توانست اینهمه قرضه و سود قرضه را برداخت نماید و مجبور در مقابل سیاستها و تهاجمات فرهنگی کبیتالیستها چشم بوشی نماید.

3- هدف اقتصادی: آنچه در بالا ذکر گردید نشان میدهد که قرضه های خارجی توأم با سود زیاد میباشد. از جانب دیگر قرضه ها بستر در کشورهای قرضه گیرنده به پروژه ها مصرف میشود به این اساس تمام وسایل مورد ضرورت پروژه را باید از قرضه دهنده خریداری نمایند در حقیقت قرضه گیرنده ها موقع انحصاری را پیدا خواهند نمود. از جانب دیگر بر سونل کاری و مسلکی و تخنیکی برای پروژه ها از کشورهای قرضه دهنده استفاده میشود که معاش زیاد به آنها تعلق میگرد. اما کشورهای کبیتالیستی تنها

به منفعت جوی و رشد سود از طریق بانکهای دولتی و جهانی قناعت نکرده بلکه شیوه دزدی و سود در بانکهای شخصی نیز بوجود آوردند. شاید تا هنوز متوجه نشده باشند و بیایم ببینیم که بانکهای شخصی بول های اشخاص رابه غارت میبرند و افراد را لوده به سود خوری میکنند. آنچه حقیقت را واضح میسازد جمع آوری بول با سود کمتری به کار انداختن آن با سود بیشتر میباشد. از جانب دیگر سود جمع آوری شده رابه کشورهای خارجی سرمایه گذاری مینمایند که نفع آن نصیب خارها می گردد در حقیقت فرار دادن سرمایه از کشورهای فقیر به کشورهای سرما یه دار است که خود یک نوع دزدی است. از طرف دیگر گرفتن، دادن، بوکتابت و سود حرام و ناجائز است. خداوند در قرآن کریم میفرماید: ترجمه (ای کسانی که ایمان آورده اید از زاب و عقاب خداوند بترسید و آنچه از مطالبات و غیرت برادر پیش مردم باقی مانده است فروگذارید اگر مومن هستید) همچنین احادیث زیاد از حضرت محمد "ص" مخالفت خود را با سیستم بانکداری عیبری اسلامی و سودی بیان مینمایند: ترجمه (ربایا سود هفتاد و سه باب یعنی گناه دار و آسانترین آن اینست مثل کسی که با مادر خود زن کند) اگر نظام های اقتصادی را در طول تاریخ مطالعه کنیم از جمله دوره عهد باستان (یونان قدیم)، امر کانتلیست ها (سوداگرا ها)، فریبوکرات ها (طبیعیون)، کلاسیک ها، دوره های 1960 و بعد از آن هیچ یک نظام خوب و کار آمد نبوده است. حتماً باید آنها موضوع سود بوده و یا نواقص دیگری که باعث انفلاسیون و دیفلاسیون میگردد. ولی اکثر مشکلات فعلی نیز ریشه در نظام اقتصادی و بانکداری فعلی دارد. اکثر کشتار ها، ترورها و مخصوصاً اختطاف ها بخاطر بول و ثروت است. چون بعضی گروهها بطرف داری و بیروی از نظام کبیتالیستی (سرمایه داری) برای بدست آوردن ثروت از هر

طریق ممکنه (سود، اختلاس، رشوت) و غیره سرمایه بی اندازنی را بخود جمع آوری مینمایند. و تغییرات بسیار زیاد و ناگهانی را در خود بوجود می آورند. بر عکس طبقه فقیر و تنگدست جامعه بحالت خود باقی مینمانند و بخاطر رقابت و هم چشمی با گروه های فوق و نتوانستن مقابله با فقر دست به اعمال بی امنی، اختطاف کشتار و ترور میزنند. بیس بهترین نظام بانکداری و اقتصادی اسلامی است که با سخ گوی نیازها و احتیاجات همه افراد جامعه است. نظام سوسیالیستی (اشتراکی)

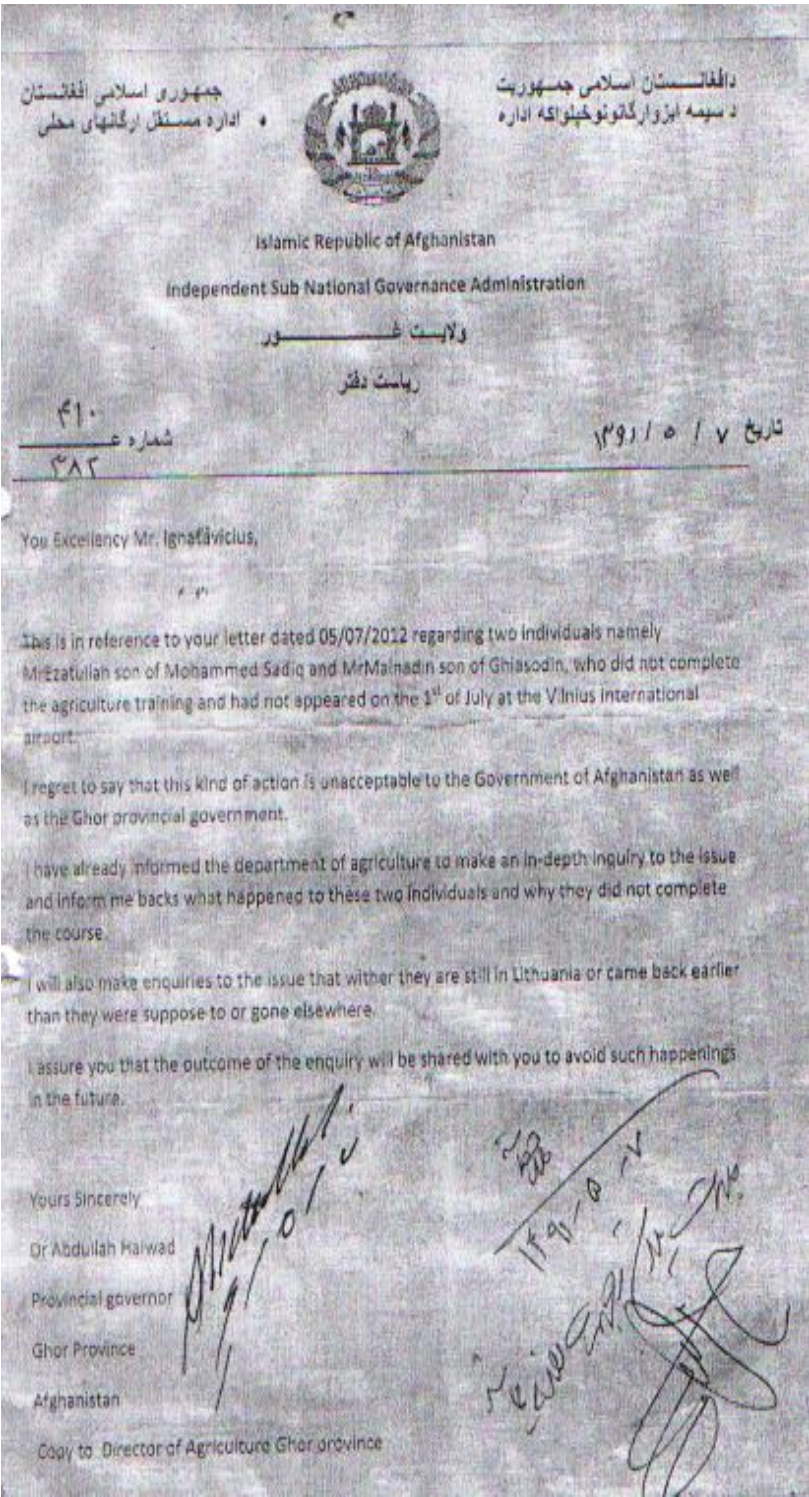
هدف آن اینست که باید سرمایه بصورت مشترک باشد. بنظر آنها که شمشک ها و نجالها همه ریشه در مالکیت خصوصی دار و با عت رقابت و نابرابری و کوشش برای برابری در جامعه میشود. هدف نظام کبیتالیستی (سرمایه داری) جمع آوری سرمایه و مالکیت خصوصی است آنهم از هر طریق ممکنه و هدف از زندگی را منفعت جوی و کسب سرمایه میدانند. اما نظام اسلام هر دو هدف فوق را دنبال میکند اما بصورت مشروع مناسب و درست آن نظام اقتصادی اسلامی در عموم روی سه اصل ذیل استوار است:

1- اصل مالکیت بصورت مختلط: چون مالک کلی خداوند "ج" است هیچ کس نمی تواند به تنهای مالک همه چیز شود. این اصل شامل موضوعات میراث و غیره میشود که تمام ورثه مستحق آن اندند یکی یادوانه.

2- اصل آزادی اقتصادی: هر کس حق دارد فعالیتهای تجاری را انجام دهد اما بطریق مشروع. طوریکه به حیثیت دیگران صدمه وارد نشود و در چهار چوب گفته خداوند و پیامبر باشد.

3- اصل عدالت اجتماعی: به این معنی که در نظام اقتصادی و بانکداری اسلامی باید عدالت وجود داشته باشد. از افراد غنی و دار اصدق و ذکوات جمع آوری و به افراد فقیر و نادر داده شود. تا آن فقیری که در خانه گلی خود بپوشی آن ثروت منده قصری با بارتمان ده طبقه ای دارد لقمه نان برای خوردن شام طفل هایش داشته باشد بعد از مطالعه دقیق مفاهیم فوق خواهیم دانست که نظام بانکداری و اقتصاد اسلامی بهترین نظام می باشد. هم مشکلات دنیای افراد را بسخ داده و نیز ثروت مندان را متوجه آخرت و دنیای بعدی میسازد. از خداوند می خواهیم در کشور عزیز و فقیرومان نظام بانکداری و اقتصاد اسلامی حاکم شود تا ازین همه جار و جنجالها تاجات بیاد کنیم. هر کس لقمه نان خود را در کنار اولاد و هوافامیل خود آرام، آزاد، سر بلند، و پاک هلال صرف نماید.

سریال فرار از لیتوانیا



ترجمه : تقدیم به عالیجناب ایگناتیویسیوس!

در پاسخ به نامه مورخ 2012/7/5 شما که در ارتباط به دو نفر بنام های آقای عزت الله ولد محمد صدیق و آقای مین الدین ولد غیاث الدین کسانی هستند که ترینک زراعت را تکمیل نموده اند و به تاریخ 1 جولای در میدان هوایی بین المللی ویلنیوس حاضر نبودند.

من از این که نگفتم که چنین اعمالی از سوی حکومت افغانستان و همچنان حکومت محلی ولایت غور غیر قابل پذیرش است پیشیمان هستم

من هم ریاست زراعت را قبلاً اطلاع داده ام که در باره به این موضوع سوالات عمیق و دقیق بکنند و دو باره به من اطلاع بدهند که برای این دو نفر چه اتفاق افتاده و چرا کورس را تکمیل نکرده اند.

من همچنان در باره به این موضوع سوالات را مطرح خواهم کرد که آیا این دو نفر تا هنوز در لیتوانیا هستند و یا زودتر از وقتی که قرار بود بیایند ؛ آمده اند و یا به کدام جای دیگری رفته اند .

من به شما اطمینان می دهم که نتیجه چنین سوالات را به شما سهم خواهم کرد برای اینکه از چنین اتفاقاتی در آینده جلوگیری شود .

داکتر عبدالله هیواد

والی غور

این سریال پایان نیافته ، که داکتر عبدالله هیواد تبدیل شد ، امید وارم اداره تازه پای ولایت غور تحقیق نمایند که آیا (آقای عزت الله ولد محمد صدیق و آقای مین الدین ولد غیاث الدین) مأمورین ریاست زراعت بوده اند؟ یا تقلبی و خلاف قانون به عوض کارمندان ریاست زراعت به لیتوانیا رفته اند تا از آنجا فرار نمایند و به کشورهای دیگری اروپایی بروند .

اگر کارمندان ریاست زراعت ولایت غور بوده اند به چه دلیل لادرک گشته اند و تا هنوز (خون و موی) از آنها به دست حکومت افغانستان – اداره محلی غور نیامده است ؟ .

ویژه گی های کورس سواد آموزی

- 1- کورس شما زمان آغاز الی ختم مدت 9 ماه را در بر می گیرد .
- 2- درس ها در هفته شش روز ، هر روز دو ساعت نجومی را در بر می گیرد .
- 3- وقت و زمان کورس به اختیار و توافق شما و سواد آموزان متعلق است .
- 4- تعیین جای جزء وظایف و مسولیت های معلم سواد آموزی است .
- 5- امکانات و مواد آموزش .
- 6- کتاب سواد آموزی یونسف برای مدت نه ماه در یک دوره درس داده می شود .
- 7- معلم غیر از معاش امتیاز دیگری ندارد .
- 8- معلم باید حتما پلان درس روزانه داشته باشد
- 9- حضاری شاگردان حتما هر روز ملاحظه و خاتمه پُری گردد .
- 10- کتاب مشاهدات صنف را معلم باید حتماً تهیه نماید که توسط هیئت نظارت ملاحظه و امضا گردد .
- 11- معلم در آغاز صنف جدول شهرت سواد آموزان را حتماً بصورت مکمل به رویت کاپی تذکره آنها تکمیل نماید .
- 12- معلم باید کار نمودن فورم های ارزیابی را یاد گرفته و در ختم سال تمام فورم ها را خاتمه پُری نماید .
- 13- برای سواد آموزان کتاب ، کتابچه و قلم توزیع می گردد .
- 14- معلم در ختم سال برای تمام فارغین – کامیاب تصدیقنامه های فراغت تهیه شده را توزیع می کند .
- 15- فارغ سواد آموزی به سویه صنف سوم مکتب فارغ می گردد .
- 16- بعد از اینکه مکتب محلی و یا مکتب شبانه در کنار مکتب تعلیمات عمومی فعال گردد ؛ فارغین سواد آموزی می توانند دو باره ثبت نام شوند و آهسته آهسته از صنف 12 فارغ شوند و به تحصیل خود ادامه دهد و یا در ادارات کار نماید .
- 17- کورس های یونسف مخصوص طبقه اناث است ، ذکور ثبت نام شده نمی توانند .
- 18- عمر سواد آموز از 15 – 45 سال باشد .
- 19 – سواد آموز شاگرد مکتب نباشد .
- 20 – سواد آموز قبلاً از کورس های سواد آموزی فراغت حاصل نکرده باشد .
- 21- معلم سواد آموزی وظیفه دولتی دیگری نداشته باشد .

دین گریزی جوانان...

جوان به کسی گفته می شود که بالندگی و نشاط را برجمود و یکنواختگی، علت یابی را بر تقلید کورکورانه ترجیح داده و خواستار توافق بین قول و عمل ، علم و دین و سنت و مدرنیته می باشد . از ابتدای شروع دعوت دینی در آغاز نزول وحی تا به امروز سکان و ستون دین بسر دوش جوانان حمل گردیده است. پیامبر اسلام (ص) دعوت را بین جوانان آغاز نمود و افرادی که جزء پیشگامان دین در عصر خفقان و اختناق مکه می باشند عموماً جوان هستند و آن مسنولیت بسیار سنگین را با جان و دل می پذیرند و در راه آن تمام هزینه های مالی، اجتماعی و وجودی را می پردازند و بدان می بالند و هرگز از راهی که در پیش گرفته بودند پشیمان نمی شد ند. همان جوانانی که در عصر خلافت راشد همزمان دو امپراطوری عظیم را در دو جبهه شرق و غرب به زانو درآوردند آیا جوانان امروز هم آن رغبت و علاقه مندی را نسبت به دین دارند و یا از آن گریزانند و اگر جواب منفی است ، علت چیست؟ آن چه غیر قابل انکار است این است که درصد کمی از جوانان، گرایش به دین دارند و این در حالی است که دین اسلام در آغاز، بسیاری از یهودیان ، مسیحیان ، زرتشتیان ، بت پرستان و... را جذب خود ساخته بود. چرا دینی که زمانی به کام جوانان از عسل شیرین تر بود امروز آن گونه نیست ؟ آیا دین تغییر کرده است یا جوانان؟

به نظر می رسد جوانان امروز هم بسیار علاقه مند به پویایی ، بالندگی و نشاط هستند ، اما آیا دینی پویا ، بالنده و با نشاط به آنها معرفی می شود؟ آن زمان که دین با جهل و خرافات مبارزه می کرد، جوان را جذب می نمود اما وقتی که دین را با خرافات و جهل بیامیزیم نتیجه عکس آن می شود .

آری جوانان با دینی که مانع پیشرفت آنها شود، با دینی که در تقابل علم قرار بگیرد و با دینی که مخاطبش را به تقلید کورکورانه دعوت نماید و با دینی که پرسشگری را سرکوب کند، مخالفند . جوانان وقتی که فاصله عمیق قول و فعل برخی از سخنگویان دین را نظاره می کنند، زمانی که می بینند دنیا خواهی دینداران را، آن وقت که خلایع اجتماعی داعیان دین را در جامعه می نگرند و آن زمان که مشاهده می نمایند تنوری های تعطیل شده در صحنه ی عملی جامعه را، باز هم داستان های تکراری حیات خویش را به یاد می آورند که این بار هم به هدف نرسیدند و در این جاست که شخصیت شخص با تنشی روبه رو می گردد که اگر دلسوزان واقعی دین به یاریش نشتابند در شخصیتش تشنج و آنگاه بحران به وجود می آید که اصلاح آن اگر نا ممکن نباشد ، بسیار مشکل خواهد بود. پس اگر هلوغیت شخصیت را در برخی از جوانان مشاهده می کنیم به محکوم کردن آنها نپردازیم زیرا بسیاری از مشکلات به خود ما برمی گردد .

عیب کسان منگر و احسان خویش

دیده فرو بر به گریبانبان خویش

آینه آن روز که گیری به دست

خود شکن آن روز، مشو خود پرست

بنابراین ، تبلیغ دین با ادبیات زمان حاضر ، اقتاع جوانان با دلایل متقن و به روز کردن یافته های خویش و جمع قول و عمل و تنوری و اجرا از عوامل جذب جوانان و یا بهتر بگویم بازگشت جوانان به دین خواهد بود . اما کجایند واعظان و داعیان اینگونه؟ کجایند بندهایی که بنای دین را از نو بنا کنند ؟ کجایند ناصران دین که نصرت دینرا در ادعا و عمل خویش به جوانان نشان دهند؟ و کجایند احمدها بی که خیر خواهی را نه تنها برای دوستان ، بلکه برای دشمنان هم خواستار باشند در آخر باید گفت که تقلید کور کورانه باعث ضعف جوانان میشود حتی روحیه پرسشگری را از جوانان میدزد و اندیشه شان را زیر سوال میبرد امید مااز جوانان این است که باید اندیشه جوان داشته باشند

واعظان که این جلوه در محراب و منبر می کنند

چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند

مشکلی دارم ز دانشمندان مجلس باز پرس

توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می کنند؟

خلاصه و جمع بندی مطلب:

الف : دین را صحیح و شیرین ، آنگونه که هست با زبان و ادبیات عصر حاضر و به تناسب فهم مخاطبان معرفی کنیم .

ب: داعیان دین ، خود اولین عاملان به اعمال دینی باشند و الگوی عملی جامعه گردند.

ج: سخنگویان دین، نقد پذیر باشند و روحیه ی پرسشگری را در جوانان سرکوب نکنند .

د: جایگزین مناسبتری از آنچه که غرب معرفی می کند به آنان نشان دهیم .

معرفی زمان الدین حبیبی

شنسب : آقای حبیبی لطفا خودرا مختصراً معرفی نماید ؟

حبیبی: بنام خداوند توانا ،اولاً تشکر میکنم از مسوولین ماهنامه شنسب که با محصلین و دانشجویان همکار و همراه بوده و در مورد تشویق و حمایت اقشار تلاش دارند. اینجانب زمان الدین (حبیبی) فرزند محمد کریم متولد سال 1371 هه ش که در دیار هجرت با یک خانواده متدین قبیله "رضایی" چشم به جهان گشودم . شنسب: آقای "حبیبی" لطفاً در باره تعلیمات ابتدایی و ثانوی تان معلومات دهید؟

حبیبی :چون والدین بزرگوارم از آوان تولدم ارزو داشتند که فرزند شان تحصیل نماید ،بنابراین آموزش ابتدایی را نزد پدرم وموارس دینی فراگرفتم و درسال 1383 شامل مکتب گردیدم و از صنف ششم الی دوازدهم را در لیسه عالی سلطان علاالدین غوری در خواندم وبه اثر تلاش وتشویق اساتید دلسوز و مهربان این لیسه توانستم که با بهترین درجه فراغت از مکتب را در سال 1389 هه حاصل نمایم و با اشتراک در کانکور 1389 به رشته حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه راه یافتم .

شنسب: آقای "حبیبی" وضعیت دانشگاه را چگونه یافتید ومشکلات محصلین در کدام موارد زیاد است .

حبیبی: تمام دانشگاه های افغانستان که شاگردان ولایات مختلف در آنها راه می یا بند عاری از بعضی مشکلات نمی باشند و باید وزارت تحصیلات عالی وسایر مسوولین بکوشند تازمینة تحصیل بهتر و باکیفیت تر را مهیا سازند ،اما متأسفانه در اکثر دانشگاههای کشور قسمیکه لازم است چنین نمییابا شد .و ارماتها وآرزوهای پاک محصلین زیر فشار و انحطاط قرار میگردد .با این همه بعضی از دانشگاهها خصوصیات ویژه را با خود دارند ،که در بعضی جاها فضایی صمیمیت ومحصل پروری موجوداست و در بعضی دانشگاههای دیگر بیش از لکچر نوت استاد چیزی دیگری نیست .و محصل در مفکوره کاملاً ناپیایی درفضای دیکتاتوری قرار میگیره که حقیقتاً این وضعیت آلوده و حالت انجماد علمی را رقم میزند. ناگفته نباید گذاشت !که مشکلات محصلین در موارد مختلف و عرصه های گوناگون نهایتاً زیاد است .که انرا اغلباً دامن گیر فرزندان غوری و بعضی ولایات غریب دیگر دیده میتوانیم .که این طوفانهای عظیم مصایب علل و اسباب زیاد دارد . مثلاً:ضعف اقتصادی محصلین ،عدم شمولیت محصلین بی بضاعت به لیله به سبب نبودن واسطه بی سرپرستی و عدم حمایت در دانشگاه .تنگ شدن محیط و ماحول سیاسی و اجتماعی ،تهدید شدن محصلین بنام های گوناگون ،بی اتفاقی خودخواهی های ذات البنی همه و همه دامن گیر محصلین می باشند .

شنسب:آقای "حبیبی" قرار معلومات داده شده به ما شما توانسته اید که به دو سمستر سال اول پوهنحی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون ننگرهار مقام اول را کسب نماید .با وجود مشکلات لسانی و دیگر مشکلات چگونه موفق شدید ؟ حبیبی :اولاً باید گفت که برای رسیدن به هر هدف و آرمان باید سختی ها و رینج های زیاد را با نیروومقامت ،صبر و تلاش باید کشید .زیرا بی رنج گنج میسر نمی شود و من عقیده دارم که هر تصمیم که انسان بگیرد و تلاش کند موفق است زیرا موفقیت 99%و 1%استعداد است .

کورس آموزشی برای زنان پولیس در ولایت غور



بتاریخ 1391/05/05 به تعداد سیزده تن پولیس زن که کورس اساسی پولیس را در شهر چغچران ولایت غور به اتمام رسانیده بودند تقدیر نامه کسب کردند. زنان پولیس که در صفوف نیروهای پولیس ولایتی غور شامل خدمت میباشند در یک کورس اساسی پولیس هشت هفته ای اشتراک نموده بودند. این کورس توسط مربی های داین کورپ یکجا با افسران پولیس قومندانی امنیه ولایت غور و با معاونت تیم مشوره دهی پولیس چغچران برگزار گردیده بود، سیستم حقوقی افغانی، اساسات عمل های تاکتیکی در میدان جنگ مشمول تمرین انداخت زنده، حقوق بشر و اعلامیه ملل متحد 1325 مضامین بودند که برای اشتراک کننده گان معرفی و تدریس گردید. فراغت و بدست آوردن تقدیر نامه ها بیانگر شناخت نقش زنان در اجتماع و مخصوصاً در سکتور امنیت عامه میباشد.

تعداد زنان پولیس در ولایت، سال به سال رو به افزایش میباشد – حتی در سال 2006 در بین پولیس ولایت غور تنها یک زن پولیس وجود داشت وبس.

تیم مشوره دهی پولیس، چغچران

کار مهم آن نیست که دنیا را تسخیر کنیم، بلکه تغییر آن است!

زکریا "نجات

ضروری است ازتجربه ای که ازمصیبت بشری فوق العاده که نصیب ما شده بود ،آن هم به مدت طولانی ،بدست آورده ایم جامعه بسازیم که همه افراد بشر وبخصوص مردم رنج دیده ویلا کشیده ولایت غوردرآن مفتخریباشند.

اعمال روزانه مایه عنوان فردی ازافغانستان می بایست واقعبیت افغانستان رادرعمل متولد کندواعتقادانسان های ما حول ما را به عدالت تقویت نمایدواعتقادبه آن رادرشرافت وروح انسان تقویت کندوهمه امیدهای مارابرای زنده گی افتخارآفرین برای همگان متبلور سازد. گاتگی روحی وجسمی که همه مادرین وطن مشترک درآن سهیم هستیم،اگر دقیق متوجه شویم عمق رنجی رادرقلب مان بیان می کندکه همه بردوش کشیده ایم ودیده ایم که وطن ماراپاره پاره کرده اند.

مردم دنیاوطن مارادقیقا به آن دلیل منزوی ساختندکه دینن پایگاه عزت وافتخاراسلام است واین برا ی دشمنان اسلام گرانی میکردوباعث شدازهرنیرنگی کاریگیرند تااین قله عزت رامتزلزل بسازندکه ساختن. ، واکنون که شمابه اهداف شوم دشمن آگاه هستیدهنوزدیرنشده به این فکرنکند که زمان برای بهبودی زخم هافارسیده،فرصت فراهم شده تابران ورطه هلاکت وسقوط پل بزیم که مارامنشعب ساخته بود.زمان سازنده گی پیش روی ماست...

درتلاش خود موفق شده ایم تادرسینه ملیون هانفرازهموطنان خودامیدبکاریم. مامیتاق می بنیم تاجامعه رابیسازیم که درآن تمام مردم افغانستان بتوانندباقامت راست وبدون ترس دردلبها،گام بردارندوازحقوق لاینفک ولازمه شرافت انسانی مطمئن باشند. اکنون به مردان وزنان قهرمان این کشورکه به وسایل گوناگون فداکاری کردن وزنده گی شان رافدای این کردن تاامروزمایتوانیم ارج آزادباشیم ارج میگذاریم روح شان شادویداشان گرمی باد. مادرك میکنیم که راه مان بسوی آزادی مسیری آسان نیست، مامیدانیم هیچ یک ازامبتههایی نمی توانیم عمل کنیم وموفق شویم، بنابراین می بایست به اتفاق هم وبه صورت یک ملت متحدبرای آشتی ملی،برای ساختن ملت وبرای تولددریک دنیای جدیدتلاش کنیم،بیایم عدالت رانصیب همه کنیم،بیایم صلح رانصیب همه کنیم، بگذاریم همه کارکنند،نان وآب ونمک داشته باشند.تلاش کنیم تا اطفال محروم ما در پی تخته ودرس تعلیم مجال خوب خودرا از دست نداده بیاموزند وجامعه را بسازند . یایم همه بدانیم جسم وذهن وروحمان برای آن آزادشده تاخودرابه تحریرساییم... گذاریم آزادی درساحه دین حکومت کند!

به امیدساختن باغی ازین باغچه!

اداره محلی ولایت غور تصمیم گرفت تا شاهراه غور - هرات را از طریق دره بیدان عبور نماید .

گزارشگر : صفدر وکیلی

سید انور رحمتی والی ولایت غور در کنفرانس مطبوعاتی 1391/6/20 از اسفالت شاهراه عمومی غور - هرات خبر داد . آقای رحمتی گفت وزارت فواید عامه جمهوری اسلامی افغانستان به اداره محلی ولایت غور خبر داده است که اگر توافق مسولین ولایت غور مبنی بر عبور شاهراه غور - هرات از طریق دره بیدان حاصل نشود ؛ بودجه که در این باب اختصاص داده شده است به هیچ پروژه دیگری در ولایت غور و در هیچ ولایت دیگر افغانستان به مصرف نمی رسد . از همین رو با محاسن سفیدان و معزین ولسوالی های پنجگانه پست بند بایان ولایت غور صحبت شد که در نتیجه صلاحیت تصمیم گیری را به اداره محلی و کمیته انکشافی ولایت غور سپردند و کمیته انکشافی ولایت غور تصمیم وزارت فواید عامه جمهوری اسلامی افغانستان را تایید کرد تا کلر عبور شاهراه غور - هرات از طریق دره بیدان روی دست گرفته شود . والی غور از همکاری افراد که در این مورد با اداره محلی و شورای انکشافی ولایت غور همکاری نموده اند ابراز سپاس و قدر دانی کرد . آقای انوری در قسمت از سخنان خود شورای انکشافی اداره محلی را مهمترین مرجع تصمیم گیرنده در قسمت محل تطبیق پروژه های انکشافی عنوان نمود و در قسمت کلر سرک ولسوالی های ولایت غور افزود : « بعد از وصل شاهراه غور - هرات و غور- کابل دوترا ها و مراجع را پیدا می نمایم که راه های عبور و مرور ولسوالی ها بویژه کوتل بابان را سهل نمایند » .

بحران مخاطب در رسانه های جمعی

محمدحنیف "قاضی زاده" محصل پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل

وقتی به تاریخ زندگی بشر نظر اندازی شود دیده میشود که از بدو خلقت انسان رسانه وجود داشته است ، رسانه ها در سالهای قبل به گونه ای امروزی نبوده بلکه پیشرفت رسانه های امروزی پس از سپری شدن یک دوره ی منظم و تدریجی به حالت کنونی رسیده اند دانشمندان به این باور اند که تمام پیشرفت جهان امروز محصول اطلاع رسانی درست و به موقع بوده است قرن بیست و یکم را بخاطر عصر ارتباطات میگویند که طی دهه های اخیر آن انسانها شاهد رشد قابل ملاحظه ی رسانه ها بوده است .

انسان همیشه تشنه ی بدست آوردن اطلاعات در مورد های گوناگون بوده و وقتی به آثار تاریخی رو آوریم دیده میشود که اقوام و قبیله های مختلف برای بدست آوردن اطلاعات در مورد طبیعت ، حیوانات اقوام ساکن در چهار طرف آنها بوده که نمایندگانی را میفرستادند و این نماینده گان پس از روزها ماه ها و سالها پژوهش اطلاعات مفید را کسب و به سایر اعضای قبیله میرساندند و اعضای قبیله با دست یافتن به اطلاعات و موضوعات دست به کار میشدند دیده میشود که بشر از سابق دوست داشته تا به اطلاعات دست اول دسترسی حاصل نماید این خواسته ها همواره با عث شورشها ، جدایی ها و جنگها میشد بسیاری موارد را آنده اشخاص ایکه در رأس حکومت قوم ، قبیله وتوده ی از مردم قرار داشت اطلاعات را در دسترس مردم قرار نمیدادند و این عامل باعث به میان آمدن مشکلات زیادی میشد دیده میشود که در انتقال پیام رسانه ها از سابق تا کنون در رسانه های جمعی محدودیت های وجود داشته است بدین اساس متن هذا را متکی به یک فرضیه دانسته و یکتعداد دلایل ایکه باعث بحران مخاطب در رسانه های جمعی و رشد رسانه های اجتماعی خواهد شد خدمت تذکر میدهم ، اما ناگفته نباید گذاشت آنچه را که قضاوت مینماید هماتا زمان است چون بحران در نتیجه یک روند منظم و تطبیق شده شکل میگیرد .

دلیل هاییکه باعث بحران مخاطب در رسانه های جمعی شده است

اول : رسانه ها به تعداد انسانها وجود دارد هر چیز برای انسان خیر ساز و یا خیر دهنده است انسان دست به گزینش بهترین رسانه میزند چون انسانها فطرتا تنجد گراست ، ارتباط موضوع انترنیت به عنوان پدیده ی جدید در دنیای رسانه چون مولتی میدیا ، سمعی ، بصری چاپی را دارا میباشد .

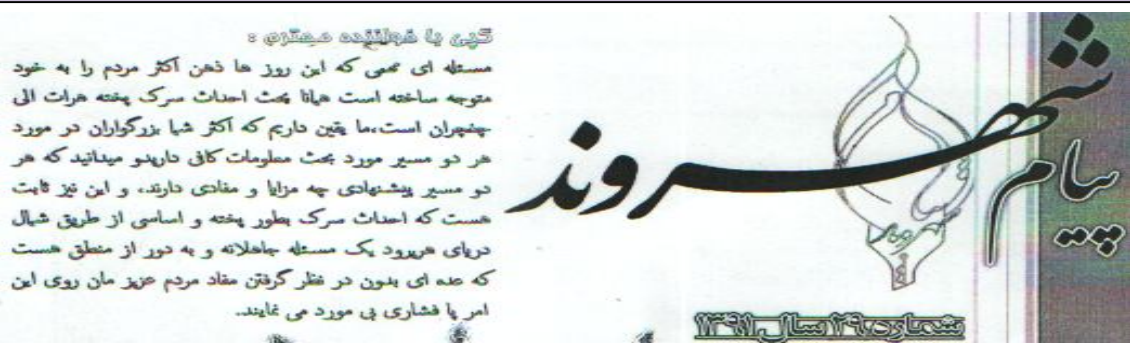
دوم : در دنیای ماشینیزم امروز فرصت برای پیگیری مطالب در رسانه ها کم است ، در غرب امروز بر اساس ثانیه مردم مصروف کار اند .

سوم : از آنجاییکه رسانه های کلاسیک دارای محدودیت اداری و نیروی بشری میباشد زمینه اعمال سلیقه ، سانسور ، تفاوت پالیسی نشراتی و دیگر مورد ها را در خود دارد و از جانب دیگر رسانه های کلاسیک وابسته به شخصیت های حقوقی و حقیقی از قبیل احزاب ، سازمانها ، دولت ها و شخصیت ها میباشد .

بناء دلایل متذکره باعث میشود که واقعیت ها تحریف و حقایق به گونه ی اورنه به خورد مردم داده شود در حالیکه در رسانه های اجتماعی چنین نیست در (فیس بوک ، تویتر و یوتیوب) آنچه را که افراد جامعه بخواهند مینویسند بدون کدام محدودیت ، مسلماً واضح است وقتی که انترنیت به مصرف شخصی میدل میشود هر شخص قادر خواهد بود تا به مطالب روزمره ، و واقعات جامعه به کمترین وقت دسترسی حاصل نماید ، پس رسانه های کلاسیک در کل دچار محدودیت بوده و رسانه های اجتماعی روبه رشد است .

دیدگاه اساسی در مورد رسانه های جمعی (رادیو ، تلویزیون و مطبوعات) با رسانه های اجتماعی (فیس بوک، تویتر ، یوتیوب) این است که رسانه های اجتماعی در حال جذب مخاطب رسانه های جمعی بوده و با این رشد رسانه های اجتماعی جایگزین رسانه های جمعی شده و رسانه جمعی به مرور زمان از بین می رود باز هم قاضی درین مورد (زمان) قضاوتگر خواهد بود .

فرزندان ناخلف و متعصب



عبور سرک غور- هرات از مسیر شمال دریای هریرو، دارای مزایای ذیل است :
1- شامل پلان پنجساله رییس جمهور داوودخان بوده . 2- اهمیت توریستی دره بیدان نباید فراموش شود ، زیرا مرکز امپراطوری غوری ها (فیروزکوه) همین دره بیدان بوده و همچنان منار سر به فلک کشیده جام به عنوان اثری از آثار دوره امپراطوری غوری ها پای هر توریستی را به اینجا می کشاند که به سرمایه ملی کشور کمک بسیاری خواهد کرد . 3- عبور سرک غور- هرات از شمال دریای هریرو هزینه کمتر بر می دارد . 4- راه غور - هرات از شمال دریای هریرو در چهار فصل سال ، باز است . 5- راه غور - هرات از طریق شمال دریای هریرو آبادانی بوده و امنیت عابرین تأمین است . 6- سرک ، از هرات - بند سلمه خواسته و نخواسته کار می شود که در مسیر غور- هرات از طریق شمال دریای هریرو واقع است و باز هم هزینه را به مراتب کمتر می سازد . 7- طبیعت زیبا و دلکش دره بیدان شمال دریای هریرو نیز قابل مسامحه نیست . 8- مردم که در مسیر زنده گی می کنند ؛ حق دارند که مانند سایرین از سهولت ها مستفید شوند . 9- مردم که در این مسیر قرار داند ، هیچ گاه به خود این اجازه را نداده که به خاطر عبور سرک غور - هرات از طریق مانع ساختن سرک ولسوالی های دیگر ولایت غور شوند و مسایل بسیاری دیگر . باز هم دست اصحاب پیام شهروند به آستین تاریخ کهن فیروزکوه می شود ، با بیهوده گفتن عبور سرک غور- هرات از طریق شمال دریا ؛ رییس جمهور داوود خان ، مسولین مربوطه حکومت مرکزی ، مردم با شهامت ولایت غور ، کمیته انکشافی اداره محلی ولایت غور را از رأس تا قاعده ، جاهل خطاب می کند ، در حالیکه آقای زیرک مدیر مسؤل پیام شهروند به عنوان مشاور مقام ولایت غور ایفای وظیفه می کند و تصمیم مسولین بلند پایه خود را یک مسئله جاهلانه و به دور از منطق می خواند و به عنوان فرزند ناخلف و متعصب بازمانده گان غوری ها ، ارزش های نهفته مرکز امپراطوری غوری ها (فیروزکوه) را بیهوده و عنوان می کند . امید وارم مسولین امور از تصمیم گیری های خود ، قاطعانه پشیمانی کنند و به دهر متعصبین که حکومت عبدالله هیواد را به چالش کشیدند ، شالته بزنند .

اهدافمند

زنده گی خودی - یا خوداندیشی نجات همگانی است

از آزادی کشور ما در مرحله دوم (تجاوز شوروی) تا دوران جنگهای داخلی و مداخله اجتایب مدت کمی سپری شد تا دوباره سردم داران دیموکراسی و منادی دروغین حقوق بشر و هم پیمانان تا دندان مسلح آنها تحت نام حمایه از مردم افغانستان و در واقع در پی حفظ منافع خود این ویرانه کهن را دوباره مورد تاخت و تاز قرار دادند . مردم خسته از جنگ افغانستان از همکاری و از شعار کاذب دوشمنان دین و وطن فریب دیگری خورده سیاسیون اصطلاحی و ناکرمنیش شان را در ایریکه قدرت کشور ماصب نمودند . تکیه زده گان قدرت یافته در کشور مبار بار صدا بلند نمودند که نیروهای خارجی بیشتر وارد سرزمین ما شوند و امنیت مرا را تأمین نمایند که واقعا صدای بود که زمینه سازان دروغین حقوق بشر و قدرت های نظامی گر منطقه را جرات بیشتری داد تا همه چیز و همه امکانات نظامی اش را در افغانستان از آسمانیش نمایند تادود و باروت اهل و اتباع شان را مسموم نساخته باشند . اگر در کشور ما امراض ازین ناحیه نشات میکند . پاک نیست و کس نیست که ایشان را محاکمه و بعدالت بکشاند . از سوی دیگر فضای یافتند بسیار مساعد برای نشر و پخش و اشاعه فر هنگ خود . تا مفت و رایگان جوانان و نوجوانان این وطن را مجذب و از احساسات پاک شان نسبت به دین و نسبت به عقاید و نسبت به ناموس شان دور سازند و یک توده عظیم مفت و رایگان در خدمت شان قرار بگرد اما . در این میانه وظیفه و مسولیت های حکومت ، ملت ، و امامان و علمای دین ، و فرهنگیان با دیانت ، رسانه ها ، مطبوعات ، تلویزیون ها ، موسسات تعلیمی ، و تربیتی چیست ؟ بسیار متوجه شدیم در این میانه بیشتر از همه نقش رسانه ها تحت نام آزادی بیان اعم از تلویزیون ها و رسانه های صوتی و تصویری در پخش و نشر مطالب و فلم ها و سریال ها کاری گر واقع شده . موسسات تعلیمی نسبت اینکه در کوتاه مدت نمیتوانستند همه مشکلات موجود را جبران کنند . و علمای دینی کمتر در موضوع تماس گرفته و کمتر متوجه گردیده اند . و اگر هم متوجه شدند عکس العمل شان دربر خورد با قضایای روز خشونت بار بوده که کمتر اثرگذار بوده است . زیرا ا کشور جنگ زده و مردم خسته از جنگ و علمای دین نسبت به یک دوره حکومت طالبان و عمل کرد خشونت بار طالبان کان شان کمتر اثر داشته بوده است اما حکومت و عمل کرد حکومتیان اگر منتظر باقی بمانیم فرصت ها از دست رفته است زیرا حکومت دم و دستگایش گاهی به نفع مردم ما نبوده و خود اجیر و حافظ منافع بادارش میباشد . رسانه ها و تلویزیون ها در این ایام فرصت های مناسب بدست آورده بودند . یا ندانسته عمل کردند و یا در خدمت دهنر های کمک کننده شان قرار گرفتند تا در خدمت مردم و جامعه خود . در رسانه های ما اگر جمله و جملات علیه مفاسد اخلاقی و افراد و اشخاص و نهاد های دولتی و افراد تبه کار و فساد پیشه و فرصت طلب و تقلب کار نوشته شده و یا از طریق تلویزیون چیزی پخش نشر شده بالا لمقابل مجتوای دیگری به نشر سپرده میشود که زمینه فساد اخلاقی و دور شدن مردم و خاصتا نسل جوان و پیرانگیزه وطن را محیا میسازد تا از فرهنگ و عقاید و ارزش های دینی و ملی شان دور شوند . خدمات را که باید برای شان (نسل جوان) انجام میدادند که انجام ندادند . رسانه ها و تلویزیون ها باید در روشن گیری اذهان عامه کاری را باید به پیش رو خود میگردتند و پلانی را میساختند و برنامه های را تهیه و نشر میکردند ، برنامه از زنده گی با خانواده ، برنامه از زراعت مالداری ، برنامه از تجلیل روز های ملی و اوضاع روز ، برنامه از حل چالش ها و مشکلات ملتدین میکردند که نکردند و چیز های انجام دادند که نهایت بی معنی و ضد فرهنگ و یاور های مردم ما میباشد امید و اریسم در آینده همه ما متوجه مسولیت های خودودر فکر نجات مردم از غلطیدن در پرت گاهی ضلالت گمراهی باشیم . زیرا در فرهنگ غرب به چیز های بر خواهیم خورد که حیوانات هم مرتکب این گونه اعمال زیشت نمیشوند که دو دعا میکنند خداوند ما را از ارتکاب اعمال مردمان غرب نجات بدهد . اما علمای دین از فرصت بدست آمده یک استفاده معقول و منطقی را باید پیش رو نصب العین خود قرار میدادند و طریقه شانسیسته دعوت بود بکار میگردتند جای که تفنگ را به صدا در آورند که نهایت خشونت بار و اثرات مطلوب نداشته و ندارد . و اما مراکز و موسسات تعلیمی در پرتو احکام دین و عنفات پسندیده مردم پلان ها و پروگرام های تعلیمی و تربیتی خود را باید عیار میساختند که متاسفانه تا حال کم توجه بوده اند . مقامات پالیسی ساز پالیسی خود را ساخته اند اما اینکه چگونه تطبیق میشود و چه کسی درین راستا استخدام شود تا به تریبه اولاد وطن سهم فعال گرد و تا شاهد پیشرفت های در آینده نزدیک بوده باشیم که بسیار سرسری از ماحول برنامه های خود و از استخدام افراد با احساس و دین دوست و وطن دوست در حاشیه میروند که نهایت زیان بار خواهد بود . اما اولیای امور (متنفذین قو می و مجاهدین و اهل خبره) نیز در پی معامله قرار گرفتند که واقعا از هدف بدور شده اند . اولیای شاگردان و مربیون و استادان نهایت متوجه باشند تا از افتادن جوانان و نوجوانان در پرت گاهی ضلالت و گمراهی جلوگیری نمایند تا اگر خداوند میخواست که از خداوند با دست دو دعا نیاز مندیم ما و اولاد آینده ساز وطن را یاری رساند تا در روشنی تعلیم و تربیه سالم اولاد وطن از دسائیس که یش روی شان قرار دارد در امان باقی بمانند و در آینده در وطن خود و عنفات خود بیدون اغیار زنده گی آبرومند داشته باشیم .

قهرمانان ولایت غور

محمود خادمی



در مسابقات پاور لیفتینگ حوزه جنوب غرب کشور که به تاریخ / / 1391 در ولایت هرات برگزار گردید ، محترم نور الله عثمانی و جان محمد حیدری از فدراسیون زیبایی اندام و پاور لیفتینگ ولایت غور اشتراک نموده بودند ، این مسابقات بین 130 ورزشکار از 12 کلب ورزشی در 8 کته گوری برگزار گردیده بود که ورزشکاران ولایت غور با وزن برداری خوب قهرمان شدند :

1- محترم نواله عثمانی ، وزن بدن 115 کیلو و وزن که در مسابقات برداشت 230 کیلو با کسب مدال طلا ، کاپ ، تقدیرنامه حکم قهرمانی مقام اول را نصیب شد و ماستری وزن خود را گرفت .

2 - محترم جان محمد حیدری ، وزن بدن 57،5 کیلو و وزن که در مسابقه برداشت 195 کیلو با کسب مدال طلا ، کاپ ، تقدیرنامه حکم قهرمانی مقام اول را نصیب شد و ماستری وزن خود را گرفت .

صاحب امتیاز: عبدالخیر مرادی 0794436779 : Abdul Khair.Moradi @Hhmtmil.com
مدیر مسؤل: غلام ربانی هدفمند / 0797244300 hadafmand.25@gmail.com
معاون مدیر مسؤل: محمود خادمی 0791924433
سر دبیر: محمد آصف نالان / 0797594063 Asif.eccghor@gmail.com
معاون سر دبیر: میر آقا ساید / 0797968944 said514@yahoo.com
ویراستار: نیاز محمد نیازی / 0798423831 niaz_2008@yahoo.com
گزارشگر: میسم « شاهین » صفدر وکیلی ، محمد حنیف قاضیزاده و زمان الدین فروزانفر .
هیئت تحریر: محمد یونس فانوس ، شاه محمد دزداد ، نور الله نوری ، حسین علی « خاموش » گل محمد طارق ، محمد شاه شایق
طرح و دیزاین: هدفمند
محل چاپ: چاپخانه قاری کابل - افغانستان . شمارگان: 2000

شنسب از قلم به دستان محترم آرزومند است که با ارسال مطالب مستند خود ما را یاری رسانید ، شنسب در ویرایش مطالب دست باز دارد ، مسولیت مقالات چاپ شده به استثنای سر مقاله به دوش شنسب نیست . اداره ماهنامه شنسب